فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره بیست و یکم، پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۳۰-۱۰۹ New Period, No 21, 2019, P 109-130
شماره شاپا (۲۴۷۶-۷۰۱۸) ISSN (2476-7018)

تاثیر صلح و امنیت بر توسعه اقتصادی با تاکید بر کشورهای عضو آ. سه. آن

الیاس عقیلی دهنوی، مبین کربلاسی

چکیده

بحث در خصوص دلایل و زمینه‌های توسعه کشورهای جنوب شرق آسیا از مباحث مهم توسعه در دهه‌های اخیر بوده است. تحقیق حاضر تلاش کرده است تاثیر صلح و امنیت بر توسعه اقتصادی با تاکید بر کشورهای عضو آ. سه. آن را بررسی نماید. سوال اساسی که در این خصوص مطرح و مورد بررسی قرار گرفته این است که صلح و امنیت چه تاثیری بر توسعه اقتصادی کشورهای عضو آ. سه. آن داشته است؟ تحقیق حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سوال مورد اشاره پرداخته است. نتایج تحقیق نشان داد که ایجاد امنیت و سیاست خارجی توسعه محور، زمینه‌ساز توسعه اقتصادی است. در عصر جهانی شدن نئولیبرالیسم و توسعه برون‌گرا به عنوان وجه غالب نظام بین‌الملل کنونی، توسعه‌یافتگی از طریق تعامل سازنده و همکاری گسترده با نظام بین‌الملل امکان‌پذیر است و نه از طریق خوداتکایی صرف، انزوا و تقابل. توسعه‌یافتگی در عصر جهانی شدن منوط به برقراری پیوند و همکاری گسترده در چهارچوب نظام بین‌الملل برای استفاده از امکانات و رفع تهدیدهایی است که به‌طور طبیعی در برابر هر کشوری که قصد ارتقا منزلت بین‌المللی خود را داشته باشد بروز خواهد کرد. یافته های تحقیق حاکیست سیاست خارجی مبتنی بر همگرایی منطقه‌ای و تعامل بین‌المللی کشورهای جنوب شرق آسیا در چارچوب آ. سه. آن نقش تاثیرگذاری بر توسعه این کشورها داشته است.

واژه‌های کلیدی: توسعه، جنوب شرق آسیا، آ. سه. آن. همگرایی، سیاست خارجی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

۱- مقدمه

در دهه‌های اخیر، کشورهای جنوب شرق آسیا با رشد اقتصادی سریع و پایدار خود، تعجب و تحسین صاحب‌نظران مسائل توسعه را برانگیخته‌اند. در خصوص ریشه‌یابی موفقیت اقتصادهای شرق آسیا، در مجموع دو دسته نظریه وجود دارد. یک عده معتقدند عامل اصلی این معجزه، دولت و دخالت‌های فعالانه، انتخابی و آگاهانه آن در اقتصاد بازار بوده است. گروه دیگر که همان نئولیبرال‌ها خوانده می‌شوند و می‌توان نظراتشان را در دیدگاه‌های بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان جهانی تجارت نسبت به شرق آسیا جستجو کرد، برعکس عقیده دارند که علت این معجزه دخالت محدود دولت، و اجازه به نیروهای بازار برای کنش نامحدود و آزادانه، انحراف اندک در قیمت‌ها، ثبات اقتصاد کلان و توجه به مزیت نسبی بوده است. مدت زمانی است که بحث میان این دو دسته نظریه جریان دارد، ولی به قول آلیس امسدن، این غیرممکن است که بتوانیم از لحاظ آمار و ارقام، رابطه‌ای بین رشد اقتصادی و مداخله دولت، یا رشد اقتصادی و عدم مداخله دولت برقرار کنیم. (amsden, 1994:628)

در این میان به نظر می‌رسد نقش امنیت، عنصر سیاست خارجی توسعه محور و همگرایانه کشورهای جنوب شرق آسیا در قالب آ. سه. آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. سازمان امنیتی جنوب شرق آسیا موسوم به آ. سه. آن در سال ۱۹۶۷ میلادی و در فضایی متاثر از جنگ سرد و بلوک‌بندی‌های لیبرالیسم و مارکسیسم و با مشارکت پنج کشور مالزی، تایلند، اندونزی، سنگاپور و فیلیپین، پایه‌گذاری شد. با این وجود در دهه‌های اخیر و با توجه به تحولات نظام بین‌الملل و ترویج ایده جهانی شدن به ویژه در امر اقتصاد، این سازمان تمرکز بیشتری را بر روی مسائل اقتصادی قرار داده است. هرچند موضوعات سیاسی همچنان از حوزه‌های مورد توجه این سازمان است اما به هر حال کفه رویکردهای اقتصادی بیشتر سنگینی می‌کند.

سوال اساسی که در مقاله حاضر مورد بررسی قرار می گیرد این است که صلح و امنیت چه تاثیری بر توسعه اقتصادی کشورهای عضو آ. سه. آن داشته است؟ فرضیه تحقیق نیز بدین صورت قابل طرح است که اصول سیاست خارجی کشورهای جنوب شرق آسیا مبتی بر همگرایی با کشورهای همسابه، رفع تنش و تقویت صلح در منطقه و تعامل در سطح بین‌المللی تعریف شده است. همین امر زمینه‌ساز تقویت همکارهای‌های منطقه‌ای در قالب آ. سه. آن و تعامل با نظم بین‌المللی موجود گشته و این امر در توسعه اقتصادی این کشورها تاثیرگذار بوده است. گفتنی است منظور از کشورهای جنوب شرق آسیا، مالزی، سنگاپور، اندونزی، تایلند و فیلیپین است. علت انتخاب این پنج کشور این است که، سنگاپور هم در صادرات و هم در واردات رتبه اول، اندونزی در صادرات رتبه دوم و در واردات رتبه چهارم، مالزی در صادرات رتبه سوم و در

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

واردات رتبه دوم، تایلند در صادرات رتبه چهارم و در واردات رتبه سوم و بالاخره فیلیپین هم در صادرات و هم در واردات رتبه‌ی پنجم این اتحادیه را دارا هستند.

۲- مفاهیم

۲-۱- مفهوم صلح و امنیت

اصطلاح صلح سنتاً به‌عنوان آزادی از جنگ و ستیز و به عبارت بهتر، فقدان جنگ و ستیز تعریف شده است. این مفهوم ایده‌آلیستی به‌ویژه بعد از جنگ جهانی دوم به عقیده‌ای تبدیل شده است که طبق آن «صلح در غیاب جنگ وجود دارد. » به این ترتیب، زمانی‌که یک کشور تحت تصرف کشور دیگر قرار دارد و جنگ میان آنها به پایان رسیده، تنها به این دلیل که روابط خصمانه میان آنها به پایان رسیده، روابط آنها طبق این مفهوم سنتی از صلح، باز هم صلح‌آمیز تلقی می‌شود. این طرز تفکر تحمل‌پذیر در مقابل برخوردهای مسلحانه، هر چند امروز مشخص‌تر است، اما از قدیم نیز وجود داشته است، زیرا جنگ به‌عنوان بخشی از موجودیت انسانی، همیشه وجود داشته است. از ادوار قبل از تاریخ، انسان گرفتار کشمکش‌های نظامی بوده و پیوسته در جستجوی راه‌هایی برای کشتار سریع‌تر بوده است. (ولی، ۱۳۷۰: ۳۳۵)

صلح، واژه‌ای‌است که عموماً به فقدان تجاوز، خشونت یا خصومت اشاره دارد، اما همچنان متضمن مفهوم وسیع‌تری است که دربردارنده سلامتی، روابط بین فردی یا بین المللی جدیداً بهبود یافته، امنیت در موضوعات رفاه اجتماعی یا اقتصادی، به رسمیت شناختن برابری و انصاف در روابط سیاسی و در موضوعات جهانی است. زمان صلح، یک وضعیت فاقد جنگ یا تعارض می‌باشد. به بیان دیگر درک ماهیت صلح در زمان فقدان یا از دست دادن آن روشن می‌گردد. اما به روی هر ناامنی، بی‌عدالتی اجتماعی- اقتصادی، بنیادگرایی سیاسی، مذهبی و ملی‌گرایی افراطی همه می‌توانند به نوعی منجر به نقض صلح شوند. (امینی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۵۶- ۱۷۷- ۱۵۳)

امنیت، شرایطی است که در چارچوب آن فرد در مقابل خطرات، تهدیدات و زیان‌های ناشی از زندگی اجتماعی، مورد حمایت جمع (جامعه) قرار می‌گیرد. امنیت نیازی بنیادین و پایدار است که برآورده شدن سایر نیازهای جمعی نیز به وجود آن بستگی دارد. انسان که به اقتضای وجودش اجتماعی آفریده شده، ناچار وابستگی به «دیگری» و «دیگران» دارد.

کثرت‌گرایان با تأکید بر امنیت دولت، بر این باورند که امنیت جامعه بین‌المللی در صورت امنیت دولت‌ها، حکایت از حاکمیت، احترام به اصل عدم مداخله و در نتیجه برقراری نظم بین‌المللی محقق می‌شود دیدگاه این گرو در نظریه‌های هدلی بول و جکسون قابل ملاحظه است بول معتقد است در فقدان مخاصمه بین‌المللی، ترجیحات امنیتی پیش شرطی ضروری برای تعقیب عدالت در درون مرزهای دولت است او عناصری همچون توازن قدرت، حقوق بین‌الملل، دیپلماسی، جنگ و قدرت‌های بزرگ را عوامل برقراری نظم بین‌المللی معرفی می‌کند از این رو، هدلی بول تأکید بیش از اندازه بر ارزش‌های سیاسی را موجب

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

بی‌ثبات کردن نظم بین‌المللی و در نتیجه ایجاد مشکل در برقراری امنیت برای شهروندان توسط دولت می‌داند. (Bellamy, 2010: 312)

در عین حال، تفسیر امنیتی نوین کثرت‌گرایان در ایده جکسون منعکس می‌شود بر اساس، نظر او، سیاست جهانی بر پیمانی جهانی مبتنی است که جامعه کثرت‌گرا را تشکیل می‌دهد و در برخی موقعیت‌ها بین سیاست قدرت ماکیاولی و جامعه بشری کانت قرار می‌گیرد پیکان جهانی در بردارنده هنجارهای احتیاطی و رویه‌ای است که حول محور شناسایی متقابل حاکمیت، تمامیت ارضی دولت‌ها و اصل بنیادین عدم مداخله می‌چرخد امنیت مسئله ابزاری نیست، بلکه موضوعی اخلاقی است به تعبیر او، در فقدان امنیت ملی نمی‌توان به کسب دیگر آمال همچون امنیت اقتصادی و امنیت زیست محیطی امیدوار بود.

۲-۲- مفهوم توسعه

تا اوایل دهه ۶۰ میلادی، توسعه، فرایندی اقتصادی و تکنولوژیک به‌شمار می‌رفت؛ که در افزایش سرانه محصول ناخالص ملّی و به‌صورت ایجاد فرصت‌های شغلی و دیگر امکانات اقتصادی ضروری، برای توزیع گسترده‌تر منافع اقتصادی و اجتماعی، تبلور می‌یافت؛ امّا در اواخر دهه، به‌تدریج آشکار شد که هرچند رشد، شرط ضروری توسعه است، نباید آن‌را توسعه تلقّی کرد؛ زیرا توسعه نمی‌تواند، مواردی مثل تولید برای معاش (که غیرقابل فروش در بازار است)، جنبه‌های غیر اقتصادی شکوفایی فردی و اجتماعی، رفاه و ملاحظات مربوط به توزیع درآمد را دربر بگیرد. آگاهی از این واقعیت، همراه با مسأله حفظ تنوّع فرهنگی در برابر آثار همگون‌ساز مدرنیزاسیون و توسعه مبتنی بر ملاحظات صرفاً اقتصادی، توجّه به جنبه‌های فرهنگی در توسعه را مطرح ساخت و طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی، مفاهیم جدیدی از فرهنگ و توسعه مطرح شد که فرآیندی چند بعدی داشت. (دوپویی، ۱۳۷۴: ۱۰- ۹) بر این اساس، رشد اقتصادی فقط به‌معنای تولید محصول بیشتر است؛ ولی توسعه اقتصادی هم بر معنای تولید بیشتر و هم بر معنای پدیدآمدن تحول در چگونگی تولید محصول و نیز در تخصیص منابع و نیروی کار بر شعبه‌های گوناگون تولید، دلالت دارد. (کیندل؛ چارلز پ؛۱۳۵۱: ۷) رشد اقتصادی، تحولی صرفا کمّی است و معمولا متغیرهایی مانند تولید ناخاص داخلی، صادرات، سرمایه‌گذاری و. . . را در نظر می‌گیرد؛ که قابل محاسبه کمّی و اندازه‌گیری بر حسب پول هستند؛ اما توسعه علاوه بر متغیرهای کمّی، متغیرهای کیفی نظیر رفع فقر، بیکاری، محرومیت، بی‌سوادی و. . . را نیز شامل می‌شود.

۲-۳- رابطه امنیت و توسعه

در مورد رابطه امنیت و توسعه، رویکردها و دیدگاه‌های نظری مختلفی وجود دارد. در حوزه امنیت، رئالیسم و در حوزه اقتصاد و توسعه، لیبرالیسم سلطه طولانی داشته‌اند. در اثر سلطه این دو تفکر بر این دو

[Downloaded from jnriihs.ir on 2026-11-07]

حوزه تا مدت زمان زیادی رابطه این دو متغیر، مورد غفلت قرار گرفت اما در پی تغییر و تحولات نظری و عملی در هر دو حوزه و کمرنگ شدن مرز این دو، اندیشه تفکیک دو مفهوم امنیت و توسعه رنگ باخته است.

از نظر طرفداران رویکرد سیاست خارجی توسعه‌گرا در عصر جهانی شدن رابطه سیاست خارجی و مباحث مربوط به اقتصاد و توسعه دچار دگرگونی اساسی شده است. برای دولت های امروزی، بخش عمده ای از سیاست خارجی باید به توسعه و رفاه ملی اختصاص یابد. این نیز اختیاری نیست بلکه الزامی است چون نظام بین‌الملل بعد از جنگ سرد در حال شکل‌یابی بر محور توسعه اقتصادی مبتنی بر اصول نظام بازار و در چارچوب جهانی شدن است و روندهای پر قدرت اقتصاد سیاسی بین‌الملل با محوریت توسعه اقتصادی مبتنی بر عالم‌گیر شدن دیدگاه بازار آزاد در چارچوب جهانی شدن به شاخصه و محور نظام بین‌الملل تبدیل شده است. (موسوی شفایی، ۱۳۸۷: ۱۳) در چنین شرایطی، توان حکومت‌ها برای حرکت در مسیر توسعه، رفاه و پیشرفت مداوم به مبنای مشروعیت و امنیت ملی تبدیل شده است. (موسوی شفایی، ۱۳۸۹: ۳۲۱) از این دیدگاه دولت‌ها برای تأمین و حفظ مشروعیت خود و ایجاد امنیت، چاره‌ای جز تلاش برای توسعه و رفاه بیشتر برای شهروندان خود ندارند و در جهان فعلی این مهم تنها از رهگذر سیاست خارجی توسعه‌گرا و نه امنیت محور قابل دستیابی است. توسعه گرایی جایگاه خاصی در اندیشه‌های لیبرالیستی دارد. طبق اعتقاد مکاتب لیبرالیستی تقریبا همه دولتها علیرغم خط‌مشی‌های اقتصادی و سیاسی مختلفی که دارند، در سیاست اقتصادی خویش معمولا چند هدف مشترک را دنبال می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره نمود: رونق و رشد اقتصاد ملی، صنعتی شدن، افزایش رفاه استاندارد زندگی شهروندان، حداقل‌سازی بیکاری و تورم، کاهش فاصله طبقاتی، کاهش وابستگی به خارج، ثبات اقتصادی و ارتقاء جایگاه اقتصاد ملی در عرصه بین‌المللی. مطابق این اندیشه و با توجه به گسترش فرایندهای جهانی شدن و پیدایش بازیگران جدید، دیپلماسی دیگر محدود و محصور در موضوعات سیاسی و امنیتی نخواهد بود. با تغییرات شگرف بین‌المللی، تنظیم روابط اقتصادی و خارجی میان کشورها به دیپلماسی منتقل شده و بسیاری از مذاکرات و دیدارهای عادی میان دولت‌ها به موضاعات اقتصادی اختصاص پیدا می‌کند. (Hamilton, 2011;230- 250)

پیگیری سیاست خارجی توسعه‌گرا در یک کشور در حال توسعه می‌تواند در ابعاد مختلف، توسعه کشور را تحت تاثیر قرار دهد از جمله:

الف. به همسان سازی اهداف اقتصادی با ملاحضات امنیتی و اقتصادی (و نه اولویت دادن به یکی از آنها کمک می‌کند.

ب. باعث درک و پذیرش تحولات اقتصادی جهان و برنامه ریزی جهت سازگاری بیشتر با آن و همچنین تبدیل چالش‌ها و بحران‌ها به فرصت می‌شود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

پ. باعث برقراری ارتباط با واحدهای اقتصادی و مالی بین‌المللی و بهره‌گیری از قدرت آنها در چانه‌زنی‌های بین‌المللی می‌شود.

ج. باعث از بین بردن تصویر امنیتی از کشور می شود و کشور را از رویکرد تقابلی و دشمن‌آفرینی دور می‌سازد.

د. می‌تواند در بعد تجاری با تشویق صادرات و یا کاهش واردات، بر موازنه پرداخت‌ها و توسعه کشور اثر بگذارد.

ح. می‌تواند از راه جذب سرمایه خارجی و تشویق سرمایه‌گذاری مشترک خارجی، همکاری مشترک اقتصادی و تولید و در نتیجه آن توسعه اقتصادی را تسریع کند. (Appandoria, 1992;105)

نکته مهم این که سیاست‌های توسعه کشور، صرفا اقتصادی نیستند بلکه پیوند عمیقی با ملاحظات امنیتی و سیاسی کشورها دارند که در این میان پیوند توسعه با سیاست خارجی اهمیت ویژه‌ای دارد برای مثال، رشد و توسعه اقتصادی اعضای اتحادیه اروپا صرفا مرهون برنامه‌های اقتصادی دولت های عضو نیست؛ بلکه تا حدی محصول سیاست خارجی آن دولت‌هاست که از طریق همگرایی سیاسی و هماهنگی بر سر نحوه همکاری زمینه مناسبی برای آزادسازی تجاری و به تبع آن رشد و توسعه فراهم ساخته است. از آنجا که همگرایی سیاسی منجر به تعمیق اقتصاد بازار و تسریع رشد اعضا گردید، گرایش به چنین همگرایی بیشتر شد و اعضا بر سر گسترش و تعمیق همگرایی به توافق رسیدند. (Bornschier, 2005;186- 202)

این مثال نشان‌دهنده تاثیر متغیرهای سیاسی بر توسعه اقتصادی است و بیانگر این است که رشد و توسعه فعلی اروپا تا حد زیادی معلول حل و فصل اختلافات سیاسی میان آنهاست، پس می توان نتیجه گرفت که دستیابی به توسعه، ضرورت مستلزم پیگیری یک سیاست خارجی هماهنگ با لوازم توسعه است. اما در سیاست خارجی امنیت محور معطوف به مسائل محض ژئوپلیتیکی، این دو گانگی مشهود است؛ یعنی سیاست خارجی لزوما در خدمت اقتصاد نیست و دیپلماسی اقتصادی ضعیف است و این برداشت نیز وجود ندارد که توسعه اقتصادی داخلی می‌تواند بر سیاست خارجی اثر فوق العاده ای بر جای بگذارد. (Ubi, Efem N and Akin kuotu,2014;415) در کل سیاست خارجی توسعه محور باید در جهت رفع تضادها و تقابل‌ها، صلح‌سازی در روابط خارجی و تقویت دولت ملی و توسعه زیربنایی کشور اقدام نماید. (Spear. J, 2012;55)

۲- چارچوب نظری (نظریه‌همگرایی)

به موازات تشدید پدیده جهانی شدن اقتصاد که ویژگی اصلی آن درهم تنیدگی اقتصادهای ملی در یک شبکه بده‌بستان بین‌المللی است، نقش سازمان‌های منطقه‌ای در رشد و بهبود اقتصادهای اعضا اهمیت پیدا می‌کند. در اینجا اهمیت نظریه‌های همگرایی برای تبین این همکاری‌ها

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

ضرورت پیدا می کند. یکی از مهمترین این نظریات، نظریه نوکارکردگرایی است که ما آن را به عنوان چارچوب تئوریک تحقیق انتخاب کردیم.

از لحاظ سطح تحلیل، سه سطح تحلیل را می‌باید برای مطالعه‌ی همگرایی در روابط بین‌الملل در نظر گرفت. یکی همگرایی در سطح نظام است که آن اشارت به فرآیندی دارد که به موجب آن دولت‌ها بخشی از قدرت تصمیم گیری سیاسی، اقتصادی و فنی را به نهادهای فوق ملی در مقیاس جهانی انتقال می دهند. سطح دوم تحلیل، سطح همگرایی منطقه‌ای است که طی آن دولت‌هایی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند گرد هم آمده، یک اتحادیه سیاسی و اقتصادی فدرال را مانند اتحادیه اروپا به وجود می‌آورند. سطح سوم، ارتباط مستقیم با ویژگی های ساختاری دولت‌ها دارد که مسلما برخورداری واحدهای سیاسی از درجه‌ی بالای توسعه اقتصادی، فناوری، سیاسی، فرهنگی و ارتباطی بر فرآیند همگرایی تاثیر به سزایی دارد. (قوام، ۱۳۸۴: ۴۵- ۴۴۹

نویسندگان معطوف به همگرایی از ویژگی‌های مشترک چندی برخوردارند. همه‌ی آن‌ها به فرآیندی توجه دارند که طی آن، وفاداری از جانب یک مرکز به جانب مرکزی دیگر، معطوف می گردد. آنها در توجه به ارتباطات درون واحدهای معطوف به همگرایی، با هم شریکند. به طور کلی نظریه‌پردازان همگرایی معتقدند که افراد هنگامی رفتار همگرایانه در پیش خواهند گرفت که پیش‌بینی کنند، با پاداش و تنبیهات مشترکی روبرو خواهند بود. موفقیت در همگرایی به توانایی مردم در "درونی‌سازی" فرآیند همگرایی بستگی دارد، یعنی به این امر که نخبگان ذینفع- و نه نخبگان خارجی- با فرآیند همگرایی همسویی کنند. (دوئرتی ؛رابرت فالتزگراف، ۱۳۷۴: ۶۷۰)

معروفترین نظریه‌های‌سیاسی همگرایی، کارکردگرایی[1] و نوکارکردگرایی[2] هستند. کارکردگرایی با نام دیوید میترانی[3] در پیوند است، میترانی برآن بود که نمی‌توان به رسیدن صلح از طریق انعقاد موافقت‌نامه و پیمان صلح امیدوار بود و در عوض باید در عمل به آن تحقق بخشید. راه آن هم فعالیت مشترک است. دولت‌ها وارد همکاری می‌شوند و در حوزه‌ی سیاست ملایم به نهادهایی شکل می‌دهند و اقتدار خود را در این حوزه‌ها به این نهادها انتقال می‌دهند. (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۶۰) نکته‌ی آغازین از کارکردگرایی آن است که واحد سازمانی حاکم در نظام بین‌الملل، یعنی دولت ملی به طور فزآینده‌ای کارآیی خود را برای ارضای نیازهای بشری از

1- functionalhsm .
2- neofunctionalism .
3- David Mitrany

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

دست می‌دهند، زیرا به سرزمین محصوری محدود است، حال آن که نیازهای بشری مرزها را در می‌نوردد. (جوزف فرانکل، ۱۳۷۱: ۷۸)

نوکارکردگرایی سنتزی از فدرالیسم و کارکردگرایی است. از یک طرف، مانند فدرالیسم معتقد است که روند همگرایی به ایجاد جامعه‌ی سیاسی یا نهادهای فراملی منجر می‌شود و از طرف دیگر، مانند کارکردگرایی بر این باور است که ابزار و عوامل اجتماعی و اقتصادی بهترین راه دستیابی به همگرایی است. نوکارکردگرایان معتقدند که همگرایی روندی نشات گرفته از ماهیت صنعتی و تکثرگرای جوامع صنعتی است و مهمترین بازیگران در فرآیند همگرایی به جای کشورها، بازیگران سیاسی فروملی گروه‌های منفعت، فشار، احزاب و اتحادیه‌های مختلف و همچنین نهادهای منطقه‌ای هستند. از نظر آنها، همگرایی به خواست بازیگران فروملی و اضافه باری تحمیل شده به دولت‌ها آغاز می‌شود. وقتی که نهادهای فراملی برای جوابگویی به خواست بازیگران فروملی و حل و فصل مشکلات اقتصادی ایجاد شد و بازیگران فروملی احساس کردند که نهادهای فراملی بهتر قادر به حل مشکلات آنها و برآوردن خواسته‌هایشان هستند، وفاداری خود را از نهادهای ملی به نهادهای فراملی تغییر می‌دهند. (سلیمانی پورلک، ۱۳۷۸: ۱۲)

۳- سیاسی خارجی توسعه گرای کشورهای جنوب شرق آسیا

۳-۱- مالزی

کشور مالزی در جنوب شرقی آسیا واقع شده است و دارای دو قسمت کاملا مجزا می‌باشد. بخش غربی آن که به شبه جزیره مالزی معروف است، ادامه خاک آسیا به طرف جنوب می‌باشد و به آن مالزی قاره‌ای می‌گویند. بخش شرقی شامل ایالات ساراواک[1] و صباح[2] می‌باشد که مالزی جزیره‌ای نام دارد. دریای چین جنوبی به فاصله ۶۴۰ کیلومتری میان این دو قسمت فاصله انداخته است. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹: ۱)

اهمیت استراتژیک مالزی به دلیل قرار گرفتن بر سر راه‌های تجاری دریایی مهمی است که دو اقیانوس هند و آرام را به هم متصل می‌سازد و به ویژه مناطق آسیای غربی و خاورمیانه از این طریق قادر به تماس با شرق آسیا، ژاپن و سواحل غربی آمریکا می‌باشند. همچنین مجاورت مالزی با کشورهای بزرگ و مهمی چون هند و چین بر اهمیت استراتژیک این کشور می‌افزاید. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، پیشین، ص۲۳)

1- Sabah
2- Sarawak.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

یکی از ویژگی‌های ساختار سیاسی مالزی، تکثر احزاب سیاسی و برگزاری انتخابات بر اساس مبارزات حزبی است، در مالزی حدود ۴ حزب در صحنه‌ی سیاسی و انتخابات فعال می‌باشند که بزرگترین حزب، حزب آمنو[1] است که در حال حاضر قدرت را در دست دارد. بعد از حزب آمنو، حزب اسلامی مالزی بیشترین نفوذ را به ویژه در میان مسلمانان شما کشور دارد. حزب عدالت ملی و حزب چینی اقدام دموکراتیک نیز از جمله احزاب مهم و فعال مالزی محسوب می‌شوند که توانسته‌اند در انتخابات مارس ۲۰۰۸ در مجموع، ۸۲ کرسی از کرسی‌های مجلس نمایندگان را به خود اختصاص دهند. (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، پیشین، ص۱۴۴)

در حوزه‌ی سیاست خارجی، جهت گیری این کشور همواره تحت تاثیر عواملی چون ضدیت با کمونیسم، مخالفت با تبعیض نزادی و همکاری های منطقه ای بوده است. تصمیم‌گیری سیاست خارجی مالزی با توجه به پویایی سیاسی و اقتصادی این کشور به گونه‌ای است که بیشترین منافع و دستاوردها را برایش در پی داشته باشد. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، پیشین، ص۱۶۱)

مالزی از سال ۱۹۵۷ میلادی یعنی سالی که به استقلال دست یافت عضو سازمان ملل متحد بوده است و در فعالیت‌های این سازمان همیشه شرکت داشته و خواهان تقویت نیروهای سازمان ملل بوده است. به طور مثال در خرید اوراق قرضه برای عملیات سازمان‌ملل د رکنگو شرکت داشت و حتی مبادرت به اعزام نیرو تحت پرچم سازمان ملل به کنگو نمود، یا در سال ۱۹۶۵ میلادی عضو غیردائم شورای امنیت شد. سربازان این کشور در نیروهای ناظر بر آتش بس سازمان ملل در مرز ایران و عراق و همچنین نیروهای سازمان ملل در نامیبیا شرکت داشتند.

مالزی همچنین در گروه ۷۷ مشارکت فعال داشته، علاوه بر آن، میزبانی کنفرانس آسیا – اروپا در مورد فرهنگ‌ها تمدن‌ها، میزبانی اجلاس وزرای خارجه‌ی سازمان کنفرانس اسلامی و میزبانی نشست کارشناسی سازمان کنفرانس اسلامی برای مشارکت زنان در تصمیم‌گیری در سال‌های اخیر را به عهده داشته است. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸: ۱۹۴– ۱۹۶)

۳-۲- تایلند

سرزمینی که به عنوان تایلند شناخته می‌شود، یکی از حاصلخیزترین زمین‌هاست، زیرا اکثر مناطق آن حوزه آبگیر رودخانه هستند. چنین حاصلخیزی از زمان‌های قدیم به خوبی شناخته شده بود،

1- AMNU.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

چنان که به آن سرزمین طلایی[1] می‌گفتند. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، پیشین، ص۱۲۲)

باید گفت سیاست خارجی فعلی تایلند که در سال ۱۹۸۶ میلادی تصویب شده بر اصول زیر استوار است:

۱- سعی در بهبود روابط و حسن تفاهم با کلیه کشورهای همسایه، بر اساس همکاری متقابل، مساوات و عدالت و نیز تصمیم به حل مسایل از طریق سیاسی و دیپلماتیک،

۲- پیشبرد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در بین کشورها، بر اساس احترام برای استقلال و حاکمیت، تمامیت ارضی، مساوات و عدم مداخله در امور یکدیگر،

۳- به خدمت گرفتن هرگونه وسایل سیاسی و دیپلماتیک جهت حصول صلح و ثبات در منطقه‌ی آسیای جنوب شرقی با محفوظ داشتن منافع و امنیت ملی،

۴- پیشبرد همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و وحدت سازمان ملل آسیای جنوب شرقی (آ. سه. آن)،

۵- پیگیری و توسعه روابط با قدرت‌های بزرگ، به گونه‌ای که امنیت و رفاه ملی را تقویت نماید،

۶- محترم شمردن و پیشبرد پیوستگی و هواداری از اصول منشور سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر و محترم شمردن حقوق و تعهداتی که در پیمان‌ها یا کشورهای دیگر منعقد گردیده، براساس مساوات، عملکرد متقابل و عدالت،

۷- پیشبرد روابط حسنه و گسترش پیوندهای اقتصادی و بازرگانی با تمام کشورها و جانبداری از تجارت متقابل،

۸- توسعه و گسترش بازارهای کالا، نیروی کار و حمایت از جهانگردی تایلند و نیز جلب سرمایه و تکنولوژی از کشورهای خارجی برای سرمایه‌گذاری بیشتر در تایلند جهت توسعه اقتصاد ملی،

۹- اقداماتی در سایر کشورها، جهت ترویج حسن نظر و تفاهم نسبت به تایلند و حفظ وجهه و اعتبار ملت، تفهیم سیاست و مواضع خارجی به مردم تایلند و جلب حمایت آن‌ها نسبت به سیاست خارجی،

۱۰- همکاری و کمک به کشورهای در حال توسعه در زمینه‌های اقتصادی، بازرگانی و فنی جهت تامین منافع سیاسی و اقتصادی کشور،

۱۱- حفظ منافع اتباع تایلند در خارج و نیز منافع جمعی کشور به منظور تامین رفتار عادلانه از طرف کشورهای خارجی، (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، پیشین، ص ۱۷۳- ۱۷۴)

1- Swanphumi.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

۳-۳- سنگاپور

سنگاپور در منطقه‌ی جنوب شرق آسیا در تنگه‌ی مالاکا[1] بین اقیانوس هند و آرام واقع شده است. این کشور، کوچکترین کشور مستقل آسیاست. (هادی وش، ۱۳۸۱: ۱۶۵) موقعیت سوق ا لجیشی آن طوری است که در مرکز راه های دریایی، هوایی، اقیانوس آرام و اقیانوس هند می‌باشد. تاسیس بندر هنگ کنگ و پیشرفت سریع ژاپن و استقرار خطوط تلگراف بین‌المللی از جمله عواملی بودند که سبب اهمیت بندر سنگاپور به عنوان یک پایگاه دریایی برجسته شد. (هادی وش، پیشین، صص۱۵۹- ۱۶۵) به دنبال خاتمه‌ی جنگ جهانی دوم و پایان اشغال سنگاپور توسط ژاپن راه برای شکل‌گیری نهادهای سیاسی در این کشور هموار گشت.

سیاست خارجی سنگاپور بر پایه‌ی ده اصل زیر استوار است:

۱- عدم تعقیب اهداف توسعه‌طلبانه در سطح جهانی،

۲- در اختیار داشتن نیروی دفاعی مفید و بازدارنده،

۳- ارتقا و توسعه‌ی روابط با همسایگان در کلیه زمینه‌ها،

۴- بسط مروت با کلیه کشورهایی که خواهان دوستی هستند،

۵- حمایت و پشتیبانی از دوستان در هنگام نیاز،

۶- تعهد کامل به سازمان آ. سه. آن،

۷- تلاش برای حفظ امنیت و ثبات در منطقه‌ی جنوب شرق آسیا،

۸- تلاش برای تداوم حفظ نظام تجاری باز و چند جانبه،

۹- آمادگی برای داد و ستد تجاری با کشورهایی که خواهان تجارت بر اساس منفعت دو جانبه و حفظ اقتصاد بازار آزاد هستند،

۱۰- مشارکت فعال در سازمان بین‌المللی نظیر سازمان ملل‌متحد، (هادی وش، پیشین، صص۱۸۱- ۱۸۲)

۳-۴- اندونزی

اندونزی یک مجمع الجزایر متشکل از ۵۰۸، ۱۷ جزیره است. این کشور با داشتن ۲۳۸ میلیون جمعیت چهارمین کشور پرجمعیت جهان است. اندونزی بین سال‌های ۱۷۴۰ تا ۱۹۴۲ میلادی متعلق به هلند بود و از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ میلادی به اشغال ژاپن درآمد. بعد از پایان جنگ جهانی دوم، هلندی‌ها پس از چهار سال جنگ متناوب، تحت فشارهای جهانی به اتحادیه بین‌المللی هلند و اندونزی رضایت دادند.

---

1. Malacca.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

اصول کلی سیاست خارجی اندونزی عبارتند از؛

۱- سیاست خارجی مستقل و فعال جهت منافع ملی کشور به ویژه حمایت از توسعه ملی،

۲- روابط خارجی با هدف تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و بر اساس تامین منافع مالی،

۳- ایفای نقش در حل مشکلات بین‌المللی،

بررسی دقیق پیشرفت‌های بین‌المللی و بهره‌برداری از آنها در جهت حفظ ثبات ملی و سرعت بخشیدن به توسعه ملی،

۵- ایفای نقش در جهت تحکیم روابط دوستانه بین کشورها به منظور گسترش بازارهای صادراتی،

۶- تلاش در جهت ایجاد همبستگی و همکاری میان کشورهای در حال توسعه،

۷- همکاری با دیگر کشورهای در حال توسعه برای نیل به نظام اقتصادی مناسب تر در جهان،

۸- گسترش همکاری میان بخش‌های خصوصی و عمومی بین اعضای آ. سه. آن با هدف تقویت انعطاف منطقه‌ای و تبدیل آ. سه. آن به منطقه ی صلح، آزادی و بی‌طرفی. (هادی وش، پیشین، ص۱۵۶)

۳- ۵- فیلیپین

فیلیپین در جنوب شرقی آسیا، کناره‌ی شرقی دریای چین جنوبی، شمال شرقی برونئی و در جنوب تایوان واقع شده است. این موقعیت جغرافیایی، برانگیزنده‌ی علایق ابر قدرت‌ها و کشورهایی است که، در معادلات سیاسی بین‌المللی نقش اساسی دارند. جلوه‌های جاذبه‌ی سوق الجیشی و ژئواستراتژیکی این کشور، در چند دهه‌ی اخیر را می‌توان در قراردادها و تعهدات نظامی دو جانبه و چند جانبه متعددی یافت که، بین فیلیپین و آمریکا منعقد شده است. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۹: ۱۵)

سیاست خارجی فیلیپین بر پایه‌ی چهار اصل ذیل نهادینه شده است:

۱- ارتقا و تقویت امنیت ملی،

۲- ارتقا و تحقق توسعه اقتصادی،

۳- ارتقا نقش فیلیپین در صحنه بین‌الملل،

۴- حفظ منافع مهاجرین و کارگران فیلیپینی در خارج. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، پیشین، ص۹۵)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

بر اساس اصول بر شمرده در بالا، سیاست خارجی فیلیپین از یک طرف سیاستش کاملا ملی و از طرف دیگر، در بعد منافع، سیاستش فراگیر و جهانی می‌باشد. طبق بند دوم از بخش هفتم قانون اساسی فیلیپین، این کشور سیاست خارجی مستقلی را دنبال خواهد کرد و در مورد روابطش با سایر کشورها، برای حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، منافع ملی و حق تعیین سرنوشت، اهمیت زیادی قایل است. در بخش هشتم قانون اساسی آمده است: فیلیپین در جهت منافع ملی، سیاست دوری از سلاح‌های هسته‌ای را در قلمرو خود، دنبال می‌کند. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، پیشین)

وزارت امور خارجه فیلیپین، اصول سیاست خارجی این کشور را بر پایه‌ی سه اصل سیاسی ذیل عنوان نموده است:

۱- حفظ امنیت ملی؛ جهت حفاظت از امنیت ملی، دولت فیلیپین مناسبات دوستانه و همکاری‌های سیاسی و اقتصادی را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی دنبال می کند،

۲- پیگیری دیپلماسی توسعه اقتصادی، جهت یافتن منابع خارجی برای افزایش صادرات کشور،

۳- حمایت از فیلیپینی‌هایی که در کشورهای خارج مقیم هستند. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، پیشین، ص۹۶)

در هر حال حفاظت و حمایت از حاکمیت و تمامیت ارضی، همچنین دغدغه‌ی سیاست خارجی فیلیپین می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، وزارت خارجه‌ی فیلیپین از طریق همکاری نزدیک با کشورهای دیگر، گسترش و تعمیق روابط دو جانبه، تبادل هیئت‌ها، انجام گفتگوها، مشورت‌های منظم، انعقاد قراردادها و توافقنامه‌های دو جانبه و حضور فعال در مجامع منطقه ای و بین‌المللی، تلاش دارد تا منافع خود را تامین کند.

فیلیپین در عملیات حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای و فعالیت‌های اعتمادسازی، به عنوان بخشی از سهم این کشور، در صلح و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی برای از بین بردن موانع تجاری پیش روی کشورهای در حال توسعه، بهبود و تثبیت نرخ کالا، شرایط بهتر تجاری و یافتن راه‌حل موثر، جهت رفع مشکل بدهی‌های کشورهای جهان سوم تلاش می‌کند. سیاست خارجی فیلیپین بر پایه‌ی اتحاد با غرب، به ویژه آمریکاو شرکت فعال در سازمان ملل است. فیلیپین یکی از اعضای فعال آ. سه. آن و توجه ویژه ای نسبت به مسائل سیاسی و اقتصادی منطقه‌ی خود دارد. (دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، پیشین، ص۹۷)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

۴- رویکرد همگرایانه توسعه محور کشورهای جنوب شرق آسیا در قالب اتحادیه آ. سه. آن

سال ۱۹۶۵میلادی که ژنرال سوهارتو در یک کودتای نظامی قدرت را در اندونزی به دست گرفته بود. او و برخی از رهبران غرب‌گرای حاکم بر کشورهای همسایه، برای مقابله با گسترش و رواج ایده‌ها و ایدئولوژی‌های کمونیستی رایج در چین و ویتنام به این فکر افتادند که اتحادیه‌های مشترک تشکیل دهند، با این هدف که با حمایت آمریکا و اروپا تلاش‌های خود را برای رونق اقتصادی و برقراری ثبات در منطقه هماهنگ و یکپارچه کنند. در واقع شاخص اولیه و اصلی اتحادیه آ. سه. آن مخالفت با گسترش نفوذ چین و کل بلوک شرق در حوزه جنوب شرق آسیا بود. از همین رو، بیش از آن که تصمیم‌گیری‌های این اتحادیه معطوف به مسائل اقتصادی و اجتماعی باشد، رنگ و خصلت امنیتی داشت و همکاری در این زمینه نیز یکی از محورهای عمده‌ی موجودیت آن را تشکیل می‌داد. (مرزوقی، ۱۳۷۶: ۶)

در چنین شرایط جدید منطقه‌ای و بین‌المللی بود که پنج کشور اندونزی، مالزی، سنگاپور، تایلند و فیلیپین در هشتم اوت ۱۹۶۷ میلادی، اعلامیه بانکوک را صادر و اتحادیه منطقه‌ای آ. سه. آن را تاسیس کردند. (شهریاری، ۱۳۸۸: ۶۹) گذشته از روابط معنوی- دیپلماتیک، حمایت‌های اقتصادی آمریکا و ژاپن و گرایش غربگرای آ. سه. آن باید گفت، اولین دهه از فعالیت‌های آ. سه. آن در نکات ذیل خلاصه می‌شد:

۱- اولویت دادن به مذاکره در روابط دو جانبه،

۲- اهمیت قائل شدن به میانجیگری و استقبال از نظرات سازنده،

۳- تمرین از خودگذشتگی سیاسی و اجتناب از جاه طلبی،

۴- جاری ساختن هنجارها، رویه‌ها و مناسبات همبستگی جویانه در قالب آ. سه. آن،

۵- گسترش اعتماد و اطمینان منطقه ای برای جلب نظر مساعد بین‌المللی. (نوروزی، ۱۳۸۲: ۲۱)

فرآیند اعتمادسازی و کاهش فضای ترس و تهدید در میان اعضای آ. سه. آن، به سرعت پیش رفت. مصالحه‌ی اندونزی با مالزی در مورد مناطق صباح و ساراواک، همکاری نظامی- امنیتی مالزی و اندونزی برای سرکوب شورش‌های کمونیستی، رفع کدورت و خصومت بین مالزی و فیلیپین با میانجیگیری تایلند و اندونزی، همگی از فرآیندی حکایت می‌کرد، که امنیت به عنوان اولین و حیاتی‌ترین متاع برای موجودیت شان لازم بود. از بعد بین‌المللی و با توجه به توجهات قدرت های بزرگ، اعضای آ. سه. آن در صدد برآمدند تا با یک ابتکار عمل، حس همبستگی و جو مسالمت‌آمیز میان خود و دیگران را تقویت کنند. در دهه‌ی ۱۹۷۰ میلادی، با بهبود روابط چین و آمریکا و خروج نیروهای آمریکایی از ویتنام، سیاست‌های آ. سه. آن نیز درجهت کاهش

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

مخاصمات و ایجاد آرامش منطقه‌ای طراحی شد. به طوری که در نوامبر سال ۱۹۷۱میلادی، اعضای آ. سه. آن با انتشار "اعلامیه کوالالامپور"، جنوب شرق آسیا را به عنوان منطقه‌ی (صلح، آزادی و بی‌طرفی) معرفی کردند. کاستن از تنش‌ها، عدم مداخله در امور داخلی کشورها، احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی دولت‌ها و عدم توسل به زور و تقویت آرامش منطقه، مهمترین اهداف این اعلامیه بود. اعضا با اشاره به اصول مطروحه فوق، خواستار عاری شدن منطقه از تسلیحات هسته‌ای شدند، که لاجرم نگرش سایر دول از جمله؛ شوروی و چین نیز نسبت به آ. سه. آن منعطف‌تر شد. پیروزی و تسلط کمونیست‌ها در ویتنام و خمرهای سرخ در کامبوج در سال ۱۹۷۵ میلادی، منجر به تکاپوی این سازمان شد و در سال ۱۹۷۶ میلادی که اولین اجلاس سران برگزار شد، بیانیه تفاهم و دوستی میان اعضا امضا شد.

برنامه‌ها و سیاست‌های مسلمت‌جویانه‌ی آ. سه. آن برای تقویت همبستگی منطقه‌ای و تبلیغ عملی روح آ. سه. آن، منجر به جذب تدریجی اعضای جدید شد. به طوری که در سال ۱۹۸۴ میلادی، برونئی به عنوان کشور ششم، به عضویت آ. سه. آن درآمد. فروپاشی شوروی، پایان جنگ سرد، خروج نیروهای ویتنام از کامبوج، درایت رهبران و مساعدت‌های آ. سه. آن، منجر به عضویت ویتنام در سال ۱۹۹۷ میلادی و پذیرش میانمار و لائوس در همان سال و نهایتا کامبوج در سال ۱۹۹۹ میلادی شد. (نوروزی، پیشین، ص۲۳-۲۲)

انسجام نسبی سیاسی در میان اعضای آ. سه. آن به این سازمان اجازه داده است، که تاکنون توافقنامه‌های مهم سیاسی را به امضا رسانده و آنها را به اجرا درآورد:

۱- اعلامیه‌ی بانکوک در سال ۱۹۶۷ میلادی، به هنگام تاسیس سازمان،

۲- اعلامیه‌ی ۱۹۷۱ میلادی، کوالالامپور، در اعلام آسیای جنوب شرقی به عنوان منطقه‌ی صلح، آزادی و بی‌طرفی،

۳- پیمان مودت و دوستی بالی در سال ۱۹۷۶ میلادی،

۴- اعلامیه‌ی ۱۹۹۲ میلادی مانیل، در خصوص دریای چین جنوبی،

۵- پیمان بانکوک در سال ۱۹۹۷ میلادی، مبنی بر اعلام منطقه به عنوان "منطقه‌ی عاری از سلاح‌های هسته‌ای"،

۶- تدوین چشم‌انداز ۲۲۰۲۰ آ. سه. آن در کوالالامپور، در سال ۱۹۹۷ میلادی،

۷- توافقنامه‌ی بالی دوم در سال ۲۰۰۳ میلادی،

۸- امضا منشور آ. سه. آن در سال ۲۰۰۷ میلادی. (امیدی، ۱۳۸۸: ۱۰۱)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

به واسطه‌ی در پیش‌گرفتن سیاست گفتگو و اعتمادسازی، کشورهای آ. سه. آن از آغاز ایجاد، درگیر منازعه نظامی نشدند. هدف از ایجاد "مجمع منطقه‌ای آ. سه. آن"[1]، همزیستی مسالمت‌آمیز کشورهای آ. سه. آن در روابط فی ما بین و همچنین در روابط با کشورهای بیرون از آ. سه. آن می‌باشد. کشورهای عضو این جامعه تعهد دارند، اختلافات خود را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند و امنیت خود را در پیوند با امنیت سایر کشورهای اتحادیه، تلقی نمایند. مجمع منطقه‌ای آ. سه. آن از مولفه‌هایی چون توسعه سیاسی، ترویج هنجارهای مشترک، پیشگیری از منازعات، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، صلح‌سازی و ساز و کارهای اجرایی مربوط به هر یک از موارد فوق تشکیل شده است. مجمع منطقه‌ای آ. سه. آن، مبتنی بر اصول، اهداف و توافقاتی است که آ. سه. آن از تاریخ ایجاد تا به حال بر اساس آنها، فعالیت کرده است. برای پایدارسازی امنیت در منطقه‌ی آ. سه. آن و با توجه به وابستگی متقابل مسائل امنیتی در سطح بین‌المللی، آ. سه. آن از طریق نظام دیالوگ و مجمع منطقه‌ای به همکاری امنیتی با سایر دول می‌پردازد. (امیدی، پیشین، ص۷۴)

۴-۱- همگرایی منطقه ای آ. سه. آن

تاسیس نظام دیالوگ آ. سه. آن، در کاهش تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی موثر بوده است. این نظام که از دهه ۱۹۸۰ میلادی شروع به کار کرده است، شامل طیف وسیعی از کشورها و نهادهای بین‌المللی نظیر آمریکا، استرالیا، نیوزیلند، کانادا، ژاپن، هند، چین، کره جنوبی، روسیه و همچنین اتحادیه‌ی اروپا ست.

در آغاز سال ۱۹۹۴ میلادی اعضای آ. سه. آن و شرکای دیالوگ تصمیم گرفتند، برای پیشبرد همکاری‌های مشترک در حوضه‌های مختلف نهادی به نام مجمع منطقه‌ای آ. سه. آن یا همان جامعه امنیتی آ. سه. آن را تاسیس کند تا عرصه‌ی فعالیت خود را به کل منطقه‌ی آسیا- اقیانوسیه، گسترش دهند. مجمع منطقه ای آ. سه. آن، مرکب از اعضای این سازمان به علاوه کانادا، اتحادیه‌ی اروپا، ایالات متحده‌ی آمریکا، روسیه، چین، ژاپن، کره جنوبی، هند، استرالیا، پاپوا گینه نو و نیوزیلند است. (امیدی، پیشین، صص ۸۰-۸۱)

مجمع منطقه‌ای آ. سه. آن به دو دلیل اصلی ایجاد شد:

۱- گفتگو و گسترش همکاری های سیاسی و امنیتی کشورهای عضو،

۲- گسترش جو اعتماد متقابل در منطقه و استفاده ی حداکثری از ظرفیت های منطقه در دیپلماسی پیش گیرانه.

---

1. ASEAN Regional Forum.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

علت وارد کردن آمریکا به این مجمع، ان بود که اعضای آ. سه. آن نقش متوازن کننده‌ی ایالات متحده را به عنوان رکن ثابت امنیت منطقه‌ای، به رسمیت شناختند و آن را به عنوان مکمل مجمع بومی منطقه‌ای، در مقابل نوسانات در تعهدات آمریکا تصور نمودند. همچنین کشورهای عضو احساس کردند، چندین قدرت بزرگ مانند آمریکا، ژاپن و چین به گونه‌ای در جنوب شرق آسیا ذینفع هستند. مجمع منطقه‌ای آ. سه. آن درپی استفاده از فرصت‌ها، جهت تنظیم یک دستور کار بومی به جای تعیین دستور کار از سوی قدرت‌های خارجی است. مجمع منطقه‌ای آ. سه. آن، اختیار پرداختن به سه موضوع ذیل را دارد:

۱- اعتمادسازی،

۲- دیپلماسی بازدارنده،

۳- حل و فصل مناقشات.

بیشترین توفیق مجمع در زمینه‌ی اعتمادسازی بوده است، که از آن جمله می‌توان به مبادله‌ی داوطلبانه‌ی وضعیت بودجه دفاعی، گفتگوهای روزافزون در خصوص موضوعات متعدد امنیتی و افزایش تماس‌ها میان نهادهای نظامی کشورهای عضو، اشاره داشت. مجمع در خصوص اقدامات الزام‌آور و همچنین محدودیت‌های تسلیحاتی توفیق کمتری داشته است. در مجموع، مجمع منطقه‌ای آ. سه. آن، موفقیت‌هایی در زمینه چند جانبه‌گرایی داشته است. (امیدی، پیشین)

به طور کلی آ. سه. آن به عنوان یک نهاد منطقه‌ای، گسترش امنیت منطقه‌ای را وجه همت قرار داده است و مساعی قابل توجهی را به صورت چندجانبه به انجام رسانده است از آن جمله:

۱- فعالیت‌های امنیت محور از طریق مجمع منطقه‌ای آ. سه. آن،

۲- آموزش عملیات‌های بشر دوستانه،

۳- گسترش فرهنگ دیپلماسی پیشگیرانه،

۴- گسترش فرهنگ اعتمادسازی و همکاری متقابل،

۵- گسترش اقدامات شفاف‌سازی و مسئولیت‌پذیری در امور تسلیحات متعارف،

۶- تقویت ظرفیت‌های سیستم‌های هشداردهنده نظامی،

۷- همکاری در امور نظامی و مقابله با اقدامات تروریستی،

۸- همکاری در امور حفظ صلح، در راستای اهداف سازمان ملل متحد. (نوروزی، پیشین، ص۳۹)

به نظر می‌رسد اکنون، کندی پیشرفت مردم‌سالاری و نقض حقوق بشر در میانمار، مهمترین چالش سیاسی در آ. سه. آن باشد. در این خصوص، به رغم تلاش‌های فراوان رهبران کشورهای جنوب شرقی آسیا، بحران میانمار بر موفقیت این اتحادیه در انسجام سیاسی منطقه‌ای تاثیر منفی گذاشته است. (امیدی، پیشین، ص ۱۰۱)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

اجرای طرح ایجاد منطقه آزاد تجاری در سال ۱۹۹۲میلادی محقق شد و افتا در درون آ. سه. آن شکل گرفت. با ایجاد افتا، سازوکاری هم برای عملی شدن منطقه آزاد تجاری آ. سه. آن ایجاد شد، که آن هم "موافقت‌نامه تعرفه ترجیحی موثر مشترک" بود. این طرح در حقیقت ابزاری برای ایجاد منطقه آزاد تجاری آ. سه. آن می باشد. (سازمند، ۱۳۸۸: ۵۴)

در سال ۱۹۹۵ در اجلاس بانکوک "توافقنامه چارچوب خدمات و تجارت" منعقد شد که طبق آن قرار است که کشورهای آ. سه. آن کلیه موانع موجود در بخش خدمات و حمل و نقل شامل حمل و نقل هوایی، خدمات تجاری، ساخت و ساز، خدمات مالی، حمل و نقل دریایی، گردشگری و مخابرات را حذف کنند. البته آزادسازی برخی بخش‌ها مانند حمل و نقل هوایی به سرعت تحقق یافته است و مذاکرات در باره سایر بخش‌ها ادامه دارد.

طبق توافقنامه "بازار هوایی مشترک آ. سه. آن" کلیه موانع خدمات برای سفرهای هوایی تا سال ۲۰۰۹ و حمل و نقل هوایی بار تا سال۲۰۱۱ برچیده می‌شود. همچنین در این دوره سوم بود که آ. سه. آن موفق به انعقاد توافقنامه‌های تجارت آزاد با چین، کره جنوبی و ژاپن گردید و مذاکرات با کشورهای هند، استرلیا، نیوزلند و اتحادیه اروپا در این راستا ادامه دارد. (امیدی، پیشین، ص۷۳)

۴-۲- در سطح بین‌المللی

در سطح بین‌المللی، در مارس ۱۹۸۰ میلادی توافق‌نامه همکاری بین کشورهای عضو آ. سه. آن و جامعه اروپا امضا شد. هدف از انعقاد این توافق‌نامه، تحکیم روابط تجاری موجود و افزایش همکاری در محورهای علمی و کشاورزی بود. (آقایی، ۱۳۸۲: ۳۳۰- ۳۴۰)

به موجب برنامه همکاری اقتصادی استرالیا و آ. سه. آن، استرلیا فعالیت‌های آ. سه. آن را مورد حمایت مالی قرار داد و مبادرت به تشکیل شورای بازرگانی مشترک در سال ۱۹۸۰ میلادی کرد.

آ. سه. آن و آمریکا در سال ۱۹۹۰میلادی، یک گروه مشترک کاری تشکیل دادند که هدف آن بررسی روابط اقتصادی بین آ. سه. آن با آمریکا و همچنین شناسایی و تعیین برنامه‌هایی بود که به‌موجب آن‌ها مناسبات اقتصادی می‌توانست تقویت شود. با تشکیل مجمع امنیت منطقه‌ای آ. سه. آن مقام‌های بلندپایه آمریکایی در ژوئیه ۱۹۹۴میلادی، با وزیران خارجه کشورهای عضو آ. سه. آن ملاقات کردند و این نشست را اقدام مثبتی برای برقراری ثبات در جنوب شرق آسیا دانستند. (آقایی، پیشین)

کره جنوبی در ژوئیه ۱۹۹۱میلادی، به عنوان "شریک در گفتگو" مورد پذیرش آ. سه. آن قرار گرفت و در دسامبر همان سال، اتاق بازرگانی مشترک آ. سه. آن و کره تشکیل شد. طرح‌های

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

همکاری در خلال سال ۱۹۹۵میلادی، در ارتباط با توسعه منابع انسانی، علوم و فناوری، توسعه کشاورزی و تجارت و سیاست‌های سرمایه‌گذاری به اجرا درآمدند.

تلاش برای بهبود روابط مشورتی بین آ. سه. آن و چین در سال ۱۹۹۳ آغاز شد و متعاقب آن، کمیته‌های مشترکی در مورد همکاری اقتصادی و تجاری و همچنین همکاری علمی و فنی تشکیل دادند. روابط بین دو طرف با اعلام حمایت چین از توسعه آ. سه. آن در سال ۱۹۹۷میلادی، تحکیم بیشتری یافت.

اجلاس آ. سه. آن و ژاپن در سال ۱۹۹۷ میلادی، برای بحث در زمینه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری و افزایش مساعدت برگزار شد.

روابط همکاری با زلاندنو بر مبنای برنامه ارتباط بین نهادی و برنامه افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری استوار بود و به موجب آن، کمک‌های مالی متوجه توسعه جنگل‌ها، فناوری تولید لبنیات و مدیریت دامپزشکی بود و در نوامبر ۱۹۹۳ میلادی، کمیته مدیریت زلاندنو و آ. سه. آن به‌منظور نظارت بر اجرای طرح‌های همکاری آغاز به‌کار کرد.

طرح‌های همکاری آ. سه. آن و کانادا شامل فناوری شیلات، صنایع مخابراتی، بهره‌گیری از انرژی خورشیدی و یک مرکز کاشت درختان جنگلی می‌باشد. (آقایی، پیشین)

نتیجه‌گیری

نایج این تحقیق بیانگر این امر است که امنیت منطقه‌ای و سیاست خارجی توسعه محور و همگرایی با نظام بین‌الملل در چارچوب آ. سه. آن، مهمترین عامل توسعه اقتصادی کشورهای جنوب شرقی آسیا در دو دهه اخیر بوده است. همگرایی با نظام بین‌المللی ابتدا در سطح منطقه‌ای میان کشورهای جنوب شرق آسیا شکل گرفت و سپس در سطح بین‌الملل گشترس یافت.

آ. سه. آن از زمان تشکیل، بر روی همگرایی سیاسی تلاش زیادی کرده و در واقع حفظ ثبات سیاسی و آرامش در منطقه را لازمه‌ی توسعه و ثبات اقتصادی فرض کرده است. بنابراین شاهد ایجاد مجمع منطقه‌ای آ. سه. آن و همکاری‌های امنیتی با کشورهای دیگر بودیم. علاوه بر آن، چنان که در بحث ساختار سیاسی کشورها دیدیم، در اصول کلی سیاست خارجی آنها، بر حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و ظرفیت همکاری‌های دو جانبه و چند جانبه با کشورهای دیگر و نهادهای بین‌المللی شده است. در عمل هم این نوع نگرش در سیاست خارجی قابل رویت است. از زمان تشکیل آ. سه. آن، هیچگونه درگیری قابل توجهی در منطقه دیده نشده است.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت؛ در دو دهه اخیر، یعنی از سال ۱۹۹۲ میلادی که موافقت‌نامه‌ی افتا، به عنوان یک نقطه عطف در تاریخ آ. سه. آن شکل گرفت، این عزم مستقل دولت‌ها، برای دنبال کردن مسیر توسعه به شکل یک تصمیم‌گیری جمعی در قالب آ. سه. آن

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

متجلی شد. تصمیم‌گیری و تلاش برای رفع موانع بر سر راه صادرات و واردات، که کلید آن از اجلاس سنگاپور ۱۹۹۲ میلادی زده شد، خیلی زود نتیجه بخش بود و ما شاهد رشد سریع اقتصادی این کشورها بودیم. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، که آ. سه. آن به مثابه یک محور، به ویژه در همین دو دهه، از یک سو نقش کانون و مرکزی برای سیاست‌گیری‌های اقتصادی داشته و از سوی دیگر، پلی برای ورود و ادغام در اقتصاد جهانی در این منطقه بوده است.

به عبارت دیگر، کشورهای این منطقه بهترین گزینه را برای همکاری، قرارداد و رابطه با اقتصادهای بیرون در پوشش آ. سه. آن دیده‌اند. چنین عاملی را می‌توان در پیوستن کشورهای لائوس، میانمار، کامبوج و ویتنام به این سازمان در نیمه‌ی دوم دهه ۹۰ میلادی، به تماشا نشست. امروزه آ. سه. آن اجلاس‌هایی را در زمینه‌های مختلف توسعه، چون؛ بهداشت، آموزش و مبارزه با فقر برگزار می‌کند.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

فهرست منابع و مآخذ

الف- فارسی

کتب

ـ امینی‌نیا، عاطفه، حق بر صلح و عملکرد سازمان ملل متحد، مجمع جهانی صلح اسلامی، (دپارتمان دانشگاهی)، ۱۳۸۹.

ـ آقایی، داوود، سازمان‌های بین‌المللی، تهران: انتشارات نسل نیکان، ۱۳۸۲.

ـ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، کتاب سبز تایلند، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۷.

ـ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، کتاب سبز مالزی، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۹.

ـ دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، کتاب سبز فیلیپین، ۱۳۸۹.

ـ دوپویی، گزاویه؛ فرهنگ و توسعه، فاطمه فراهانی و عبدالحمید زرین قلم، تهران، انتشارات کمیسیون ملّی یونسکو در ایران، چاپ اوّل، ۱۳۷۴.

ـ دوئرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه ی وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس، ۱۳۷۴.

ـ فرانکل، جوزف، نظریه معاصر روابط بین‌الملل، ترجمه‌ی وحید بزرگی، تهران: انتشارات موسسه اطلاعات، ۱۳۷۱.

ـ قوام، عبدالعلی، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴.

ـ کیندل، برگر و چارلز پ؛ توسعه اقتصادی، رضا صدوقی، رشت، مدرسه عالی مدیریت گیلان، ۱۳۵۱.

ـ مرزوقی، حسن، شناخت اقتصاد و تجارت آ. سه. آن، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، ۱۳۷۶.

ـ مشیرزاده، حمیرا، تحول در نظریه‌های روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۶.

ـ موسوی شفایی، مسعود، توسعه‌گرایی؛ الزام سیاست خارجی ایران، انشارات معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۷.

ـ نوروزی، حسین، کتاب آسیا (ویژه مسائل امنیتی شرق آسیا)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲.

ـ هادی وش، فاطمه، کتاب سبز سنگاپور، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]

مقالات

ـ امیدی، علی، "عملکرد۴۲ساله آ. سه. آن و نقشه راه تا سال۲۰۲۰"، مجله سیاست خارجی، شماره ۸۹، پاییز ۱۳۸۸.

ـ سازمند، بهاره، "منطقه‌گرایی در شرق آسیا: آ. سه. آن +۳؛ چالش‌ها و فرصت‌ها"، فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی، شماره ۱۴ و ۱۵ بهار و تابستان۱۳۸۸.

ـ شهریاری، محمد علی، "تحلیل تاثیر عوامل سیاسی- امنیتی در همگرایی منطقه‌ای با بررسی موردی آ. سه. آن و شانگ‌های"، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸.

ـ موسوی شفایی، مسعود، "رویکرد توسعه محور به سیاست خارجی ایران: ضرورت‌ها، چالش‌ها"، تهران: فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۲، ۱۳۸۹.

ـ ولی، وهاب، جنگ و صلح، مجله فرهنگ، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۰.

پایان نامه‌ها

ـ سلیمانی پورلک، فاطمه، آ. سه. آن و نقش آن در همگرایی منطقه‌ای اسیای جنوب شرقی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، ۱۳۷۸.

ب- لاتین

__ amsden,alice h. "why isn't the whole world experimenting with the east asian model to develop:reviewof the east asian miracle". world development, vol 22,no. 4,april 1994,p. 628

__ Appandoria, A. 1992. National interests and India's Forelgn Policy. Dehli: Kalinga Publication,p;105.

__ Bellamy, Alex J & Matt McDonald (2010) "Securing international society: towards an English school discourse of security", Australian Journal of Political Science: 312

__ Bornschier, Volker. 2005. Culture and Polities in Economic Development. London and new York: Rout ledge,p;186- 202.

__ Hamilton, K and R. langhome. 2011. The practice of Diplomacy is Evoluation, Theory and Administration. London and New York : Rutledge,pp;230- 250.

__ Spear. J, Williams, PD. 2012. Security and development in Global Politics. Georgetown university press,p;55.

__ Ubi, Efem N and Akin kuotu, oluwatooni o. 2014. "Nigerian foreign Policy and economic development, 1999-2013", international area studies Review, vol 17 (4), P;415.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-07]